

۵ آوریل ۲۰۲۳ - ۱۷ فروردین ۱۴۰۳

از طرف کمیته رهبری

به: اعضا و فعالین حزب، به همه کمونیست‌ها صفحه

«حق شما» و «وظیفه دیگران» (در حاشیه حمله اسرائیل به کنسولگری ایران)

خالد حاج محمدی

روز دوشنبه ۱۳ فروردین دولت اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق پایتخت سوریه حمله کرد و در اثر آن ۷ نفر از مستشاران ایران و ۶ نفر سوریه ای کشته شدند. پس از این ماجرا جمهوری اسلامی اعلام کرد «کاردار سوئیس در غیاب سفیر، به عنوان حافظ منافع آمریکا در ایران» را احضار کرده است و «پیام مهمی به دولت آمریکا» به عنوان حامی اسرائیل ارسال کرده است. همزمان رسانه‌ها و مقامات رسمی جمهوری اسلامی اعلام کردند که بعد از جلسه فوق العاده شورای عالی امنیت ملی این کشور، به شورای امنیت سازمان ملل نامه داده اند و خواهان اقدامات لازم این شورا علیه حمله اسرائیل شده اند. جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرده است که حق خود را برای جواب به اقدام اسرائیل محفوظ میدانند.

در مورد این حمله تا کنون چین، روسیه و الجزیره، اتحادیه اروپا و دبیر کل سازمان ملل آنرا محکوم کرده اند. اتحادیه اروپا «از کشورهای منطقه در خواست خویشتن داری» کرده است. روسیه بیانیه ای را در محکومیت این حمله به شورای امنیت سازمان ملل برده است که با مخالفت آمریکا، انگلستان و فرانسه مواجه شده است. دولت اسرائیل تا کنون رسماً مسئولیت این حمله را به عهده نگرفته است و اما اقداماتی برای مقابله با جواب احتمالی ایران انجام داده است. البته این امر در اینکه همه دولتها و افکار عمومی جهان دولت اسرائیل را مسئول این حمله و آنرا زیر پا گذاشتن توافقات و مقررات بین المللی بدانند، تغییری نمیدهد. حمله به سفارت هر کشوری در هر کجای دنیا، مانند حمله به خاک آن کشور است. بعلاوه بر اساس همین قوانین اسرائیل نه تنها به سفارت ایران که بعلاوه برای چندمین بار در پایتخت یک کشور دیگر، سوریه، دست به حمله نظامی زده است. ... صفحه ۳

## قطعه نامه پیشنهادی به کنگره ۱۱ حزب

# قطعه نامه اوضاع جهان

۱- طی چند دهه گذشته جهان صحنه تلاطم‌ها، بحران‌های اقتصادی و سیاسی، جنگ‌های ویرانگر با مخاطراتی بسیار خطرناک برای بشریت بوده است. تلاطم‌ها و بحران‌های ناشی از تغییرات در صفت‌دنی و آرایش بورژوازی جهانی که مهر خود را بر چهره سیاسی-اقتصادی و اجتماعی آینده جهان زده است.

امروز جهان در مسیر تقسیم مجدد قدرت و شکلگیری جهانی چند قطبی با بازیگران متعدد و بلوک‌های متنوع و سیال است. بحران‌سازی‌های دائمی، جنگ‌های پی در پی، تروریسم دولتی و غیر دولتی، میلیتاریسم عربیان و لجام گسیخته، همه و همه بخشی از مقاومت بورژوازی غرب در مقابل تغییر آرایش در صف بورژوازی جهانی است.

تغییر آرایش سیاسی-اقتصادی جهان طی سی سال گذشته، همزمان گسترده ترین تعرض‌ها به ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی و دستاوردهای بشریت در قرن بیست و یکم را در جوامع غربی به همراه داشت و همزمان حاکمیت قدرت‌های ارتجاعی مذهبی و قومی را به بخش‌های محروم جهان و بخصوص در خاورمیانه، تحمیل کرد. ... صفحه ۲

## قرارهای پیشنهادی به کنگره ۱۱ حزب:

### ضرورت به روز کردن بخش مطالبات برنامه «یک دنیای بهتر»

### لزوم تغییر موقعیت حزب

صفحه ۴

## زنان سوسیالیست و جنبش آزادی زن

مظفر محمدی

جمهوری اسلامی و کل دستگاه نظامی و امنیتی و بنگاه‌های تبلیغاتی حوزوی و مساجد و... وانمود می‌کنند که گویا مشکل زنان با جمهوری اسلامی فقط حجاب اجباری است. اما در واقعیت، تبعیض و آپارتاید جنسی در همه ی عرصه‌های کار و زندگی زنان ریشه دوانیده است. دستمزد نابرابر زنان با مردان، کارهای سخت و آزار جنسی و تجاوز در محیط‌های کار، مراقبت از کودکان و کار بی اجر و مزد خانگی، قوانین شرعی و مردسالار خانواده ناظر بر رابطه ی زن و مرد و عامل خشونت خانوادگی... صفحه ۵

# آزادی برابری حکومت کارگری

۲- بن بست اقتصاد کاپیتالیستی، سلب مسئولیت کامل دولت در قبال زندگی و رفاه شهروندان، تعرض به آزادیهای فردی، به دستاوردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارزشهای انسانی، سقوط استانداردهای زندگی مشخصه «جهان پیروز» است. انحطاط کامل سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی و اخلاقی بورژوازی، بن بست الگوی رشد اقتصاد کاپیتالیستی مدل «بازار آزاد» و عنان گسیختگی سودآوری سرمایه در تعرض به تمام ملزومات زندگی بشر، از معیشت میلیاردها نفر تا تخریب محیط زیست و سرباز کردن عمیق ترین شکاف های فقر و ثروت در سراسر جهان، و بالاخره شکست و بن بست «دمکراسی پارلمانی» مشخصه جهان امروز است.

در اوج جهانی شدن سرمایه داری، در دل رشد سریع تکنولوژی و ثروت، ادامه حیات و بقا فیزیکی معضل صدها میلیون انسان از کشورهای جنگ زده آفریقا و آسیا تا اروپا و آمریکاست. جهانی که مشخصه اصلی آن «شکست کمونیسم» و پیروزی «دمکراسی غربی» بود، برخلاف وعده های بورژوازی در «جهان پیروز» نه دوره ثبات، آرامش، رفاه و امنیت، که دوره بی ثباتی، اغتشاش، استیصال، جنگ، ویرانی، نا امنی و گسترش فقر و محرومیت و عظیم ترین ابعاد تخریب محیط زیست، در سرتاسر جهان است.

۳- طی یک دهه اخیر جهان صحنه جنبشهای اجتماعی بود که روند سیاسی در جوامع مختلف را شکل داد. مقاومت بشریت متمدن در مقابل تعرض بورژوازی در همه عرصه های زندگی، از مقابله با ریاضت اقتصادی تا ایستادن در مقابل تعرض به آزادی های سیاسی و فردی، از تقابل با میلیتاریسم لجام گسیخته تا مقابله با زدن رنگ قومی و مذهبی به زندگی و مبارزه آنها، مقابله با تعرض فکری، ایدئولوژیک و فرهنگی و تحمیل عقب نشینی به جامعه بشری، مشخصه دیگر جهان امروز است.

مقابله طبقه کارگر و مردم محروم علیه فقر در اروپا، آفریقا، آمریکا، هند، آسیا و خاورمیانه و ... گوشه ای از مقاومت جهانی علیه ریاضت اقتصادی و تعرض به دستاوردهای جنبش کارگری است. انقلابات بهار عربی، جنبش های اعتراضی در خاورمیانه و تحولات انقلابی در ایران، عقب راندن ارتجاع قومی و مذهبی در خاورمیانه و آفریقا، جنبش دفاع از مردم فلسطین در سرتاسر جهان و بویژه در کشورهای غربی وجه دیگری از این مقاومت است. مقاومتی که فرصت و امکان شکل گیری یک قطب رادیکال در شکل دادن به آینده بشری را برجسته تر از همیشه در مقابل جهانیان قرار داده است.

۴- در ابعاد سیاسی پس از سی سال تعرض راست محافظه کار در غرب و تبدیل شدن چپ و سوسیالیسم غیرکارگری به زائده و حاشیه راست سنتی و محافظه کار، امروز شاهد تغییرات مهمی در مقاومت در جوامع غربی هستیم. سربلند کردن مجدد جنبش کارگری مستقل از چپ پارلمانی و سوسیال دمکراسی، بیرون آمدن طبقه کارگر و فضای سیاسی جنبشهای اجتماعی از زیر هژمونی چپ پارلمانی و عقب راندن تعرض راست به دستاوردهای سیاسی-اجتماعی-اقتصادی جامعه بشری، تغییر مهمی در صف بندی های سیاسی در جوامع غربی است. ریختن آخرین توهمات در جوامع غربی نسبت به ساختار سیاسی و «دمکراسی پارلمانی»، مقابله با تعرض سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک احزاب و جریانهای سنتی، شکلگیری جنبشهای ساختارشکنانه در غرب، روند بازگشت و خلاصی از «اسارت سیاسی-ایدئولوژیک» را در قلب «جهان آزاد» به نمایش میگذارد.

هیچ دوره ای مانند امروز تناقض موجود میان نیازهای جامعه بشری با اقتصاد کاپیتالیستی برجسته نبوده است. هیچ زمانی مانند امروز گنبدی نظام سیاسی، نه فقط در کشورهای استبداد زده که در «جهان آزاد»، برای جامعه بشری روشن نبوده است. هیچگاه دولتها، پارلمانها و احزاب پارلمانی و نهادهای بین المللی چنین از مشروعیت نیفتاده بودند.

۵- امروز در صحنه جهانی دو بحران مهر خود را چه بر کشمکش ارتجاع جهانی برای تقسیم مجدد جهان و تغییر توازن قوا و چه بر فضای سیاسی و اجتماعی جهان و بر شکل دادن به یک بیداری اجتماعی - سیاسی جامعه بشری زده است. جنگ در اوکراین و نسل کشی در فلسطین، جهان را وارد دور دیگری از تحولات سرنوشت ساز، در صف بندی های قدرتهای جهانی و در صف بورژوازی و طبقه کارگر، در صف قدرت های حاکم و مردم تحت حاکمیت، کرده اند.

الف: جنگ اوکراین، اعلام ورود یکی از قطب های جهانی، روسیه، به مسابقه میلیتاریستی ناتو برای شرکت در «مدیریت جهان» بود. جنگی که از یکطرف صف بندی های سیاسی و کشمکشهای جدید را در صف بورژوازی جهانی شکل داد و از طرف دیگر بحران و معضلات اقتصادی بویژه در اروپا را تشدید کرد. سیاست دول غربی در قبال این جنگ، کمسک های وسیع تسلیحاتی، مالی و

سیاسی به اوکراین و دمیدن در آتش جنگ همراه با گسترش هزینه های نظامی و تسلیحاتی خود با توجیه «خطر حمله روسیه به اروپا» علاوه بر تشدید فضای جنگی، فشار اقتصادی بر طبقه کارگر و اکثریت مردم در سرتاسر جهان را به سرعت افزایش داد. جنگی که گسترش آن میتواند جامعه بشری را در معرض نابودی قرار دهد. جنگ اوکراین در فضای سیاسی منجر به تقویت راست برتری طلب اروپایی شد. به بهانه این جنگ بورژوازی غرب تمام تلاش سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را برای احیا هژمونی از دست رفته خود و بازگشت به جهان دوقطبی و شکل دادن به بلوکی با هویت و مختصات ایدئولوژیک و سیاسی مشترک در مقابل «دشمن مشترک» تحت عنوان «روسیه هراسی» کرد. تبلیغات سیاسی - ایدئولوژیک جنگ سردی و ضد کمونیستی، تلاشی در این راستا و بخشی از دستور کار بورژوازی غرب و آمریکا برای احیا موقعیت سیاسی-ایدئولوژیک از دست رفته خود، در جهان بود. تلاشی که علیرغم خسارات عظیم، قادر نشد خلا ایدئولوژیک موجود در صف بورژوازی جهانی به سرکردگی آمریکا، را پر کند.

ب: کشتار مردم فلسطین، از یک سو هراس جهانیان از گسترش میلیتاریسم عریان را بدنبال داشت و از سوی دیگر موجب به میدان آمدن میلیونها نفر در سراسر جهان علیه جنایات جنگی دولت اسرائیل و میلیتاریسم غرب شد. جنایات هیئت حاکمه اسرائیل در غزه، با حمایت کامل آمریکا، سراسر جهان را به میدانی برای پایان دادن همیشگی به حیات «امپراطوری» جنگ و میلیتاریسم تبدیل کرد. پایان دادن به مسابقه میلیتاریستی که رهبری آن در دست بورژوازی غرب است، عملا در دستور کار بشریت در سراسر جهان، و بخصوص در خود جوامع غربی، قرار گرفت.

نسل کشی در نوار غزه به شکلگیری یک جنبش جهانی در دفاع از مردم فلسطین با زیر پا گذاشتن همه مرزهای جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منجر شد. هیچگاه به اندازه امروز، جنبش های سیاسی - طبقاتی در سراسر جهان، چنین به هم پیوسته نبوده اند.

۶- دفاع از مردم فلسطین علیه نسل کشی دولت اسرائیل در غزه یک جنبش توده ای جهانی برای مهار کردن میلیتاریسم و ماشین کشتار با تکیه به قدرت مردمی را به میدان آورده است. امروز دفاع از مردم فلسطین به اعتراضات علیه ریاضت اقتصادی و فقر و بیکاری، علیه تعرض به آزادیهای سیاسی و اجتماعی، علیه سیاستهای میلیتاریستی، به مخالفت با دولت های خودی از خاورمیانه تا اروپا و آمریکا گره خورده است.

جنبش جهانی دفاع از مردم فلسطین آغاز بیداری مردم بویژه در غرب، آغاز فروریختن آخرین توهمات و اعتماد به دمکراسی غربی، به ساختارهای سیاسی در غرب، به قدرت و مشروعیت نهادهای بین المللی و آغاز پایان دوره مسخ بشریت بویژه در «جهان آزاد» بود.

۷- جهان امروز، جهانی پولاریزه شده تر، با صف بندی های شفاف تر طبقاتی-سیاسی است که میدان وسیعی برای دخالت بشریت را چه در ابعاد جهانی و چه محلی، باز کرده است. بازکردن راه پیشروی جنبش های جهانی، منطقه ای و کشوری در مقابل نه تنها خراب شدن بار سقوط سرکردگی بورژوازی غرب به رهبری آمریکا بر جهان، بعلاوه برای پایان دادن به بن بست و شکست میلیتاریسمی که رنگ خود را به سراسر جهان زده است، کار یک قطب چپ، کمونیستی، کارگری و انترناسیونالیستی است.

هیچ دوره ای مانند امروز ورشکستگی اقتصادی-سیاسی و انحطاط ایدئولوژیک و اخلاقی بورژوازی چنین عریان نبوده است. ورشکستگی و بی اعتباری که همزمان پتانسیل عظیم کمونیسم کارگری را به نمایش میگذارد. هیچ دوره ای مانند امروز نیاز به یک کمونیسم قدرتمند و اجتماعی برجسته نبوده است. کمونیسم در دنیای واقعی بار دیگر شانسی تاریخی پیدا کرده است.

۸- طبقه کارگر و کمونیسم آن در ایران یکی از آماده ترین بخشهای این گردان جهانی در شکل دادن به یک صف انترناسیونالیستی قدرتمند علیه میلیتاریسم، جنگ، ناامنی، فقر، تخریب محیط زیست و انحطاط است. هر درجه پیشروی یک آلترناتیو کارگری در بعد سیاسی و اجتماعی، یک آلترناتیو رادیکال و آزادخواهانه در ایران، بی شک میتواند نقش برجسته ای در باز کردن راه پیشروی طبقه کارگر و بشریت متمدن در جلد با بورژوازی جهانی ایفا کند.

پیشنهاد دهند: آذر مدرسی

حامیان: خالد حاج محمدی، امان کفا، ثریا شهابی، فواد عبداللہی، آسو فتوحی، محمد راستی، آسو سهامی

جالب اینکه دولت آمریکا به روال همیشه و به عنوان کدخدای خود گمارده جهان ضمن اظهار نگرانی از این عملیات ماجراجویانه، خطرناک و تحریک آمیز، اما بدون نام بردن از مسبب و عامل آن، دولت اسرائیل، از کانال رابرت وود، معاون نماینده دائم خود در سازمان ملل به ایران هشدار داده است که «دست به اقدام تلافی جویانه نزنند». معلوم نیست کشوری که از حمله اسرائیل اظهار بی اطلاعی کرده است، در شورای امنیت گفته است هنوز جزئیات ماجرا روشن نیست و به این بهانه همراه فرانسه و انگلستان به بیانیه پیشنهادی دولت روسیه رای نداده است، چرا باید خواهان عدم عمل تلافی جویانه باشد. سوالی که دولت آمریکا از زیر آن شانه خالی میکند این است که عمل تلافی جویانه علیه کدام اقدام و از کدام نیرو؟ کدام دولت؟ علیه «داعش شاخه خراسان»، این اولین داوطلب به عهده گرفتن همه اقدامات تروریستی متحدین آمریکا؟ چرا اقدام تلافی جویانه علیه نیرویی که «قوانین بین المللی مورد توافق خودشان را زیر پا گذاشته و دست به چنین عمل تحریک آمیزی زده است آمریکا، این «حافظ امنیت جهانی» را چنین نگران و هراسان کرده است؟ نفس این درخواست دولت آمریکا به معنی تأیید مسخولیت مستقیم دولت اسرائیل در این حمله و تلاش دولت آمریکا در دفاع از متحد خود در منطقه است.

دولت اسرائیل طی ۶ ماه گذشته همواره تلاش کرده است، دامنه جنگ علیه مردم فلسطین را به کل منطقه بکشاند. تلاش کرده ایران را با عملیاتی نظامی و تروریستی، چه در ایران و چه در سوریه، وارد این جنگ کند، آمریکا و حامیان غربی خود را وادار به دخالت مستقیم در این جنگ کند حتی اگر این امر به بحرانی منطقه ای و به آتش کشیدن منطقه منجر شود. دولت اسرائیل برای تأمین این هدف به هر اقدامی دست زده است، از ترور و مہب گذاری، تا حملات مکرر به سوریه و لبنان، از تشدید لابیگری محافل صهیونیستی در آمریکا، در هر دو حزب دمکرات و جمهوری خواه تا گسترش لابیسم خود در محافل دست راستی و متحد خود در میان دول «فخیمه» اروپایی همه و همه بخشی از این تلاش و سیاست رسمی دولت اسرائیل است. اقدام اخیر و حمله به سفارتخانه یک کشور، به سیم آخر زدن و حاکی از بن بست و استیصال کامل دولت و هیئت حاکمه اسرائیل است، در اینکه روسای این کشور در جنایت و توحش به عنوان کسانی که از خون ریختن، از کشتار کودکان و مردم بیگناه لذت میبرند، دست قاتلین نازی را از پشت بسته اند، شکی نیست. اما اقدام اخیر تنها بیان ظرفیت اوج جنایت و آدم کشی قصابان حاکم بر این مملکت نیست، این بیان بن بست، احساس شکست، حقارت، انزوای کامل دولت اسرائیل و آینده تاریک صهیونیسم در جهان است.

گفتن این حقایق در مورد اسرائیل و مشتکی آدمکش حرفه ای حاکم بر آن، خطری که چنین عملیاتی نظامی میتواند متوجه کل منطقه کند را کم نمیکند. خصوصاً اینکه اسرائیل که روی شانه های میلیاریسم غرب و به عنوان بازوی جنایت آنها در خاورمیانه کار کرده است، به همین دلیل هیچ نیرویی قادر به لگام زدن بر دستگاه آدمکشی آن نیست. به همین دلیل اسرائیل در توحش مطلق و نسل کشی و زیر پا گذاشتن همه استانداردهای انسانی در جهان آزاد است، و «جهان آزاد» با افتخار در کنارش ایستاده اند. مشکل این است که جنگها همیشه از روی عقل و نقشه عاقلانه برای پیروزی انجام نگرفته است و گاه منشأ آن احساس شکست و ترس و وحشت از این شکست، استیصال و نفسهای آخر را کشیدن است، چیزی که امروز در مورد دولت اسرائیل صدق میکند.

سکوت دول غربی در مقابل نسلی کشی از مردم فلسطین و تروریسم رسمی دولت اسرائیل در منطقه و حمایت همه جانبه و همیشگی آنها از این فرزند خلف خود، اسرائیل را در گستاخی و جنایت جری تر کرده است، جنگ طلبی و تلاش دولت اسرائیل در دامن زدن به جنگ با ایران، آنهم در خاورمیانه ای مملو از اسلحه و مہب، در منطقه ای پر تنش با وجود انواع دولتهای ارتجاعی تا دندان مسلح و گروهها و کانگسترهای نظامی و آدمکش، که بخش مهمی از آنان هزینه شان را دول غربی میدهند و در دامن ناتو پرورده و بزرگ شده اند، میتواند کل منطقه را به آتش بکشد. هدف اسرائیل هم دقیقاً همین است! این راهی است برای فرار از موج عظیم نفرت جهانی علیه توحش اسرائیل، راهی است برای تغییر صورت مسئله فلسطین و راهی است برای کاهش فشار یک جنبش انسانی و آزادیخواهانه عظیم جهانی علیه اسرائیل و علیه همه دولتهای حامی او و از جمله آمریکا و مشخصاً دولت بایدن در خود ایالات متحده.

مستقل از نوع عکس العمل جمهوری اسلامی در مقابل این حمله، عملیتهای

نظامی و تروریستی دولت اسرائیل در این منطقه، دیگر فقط پای دولت اسرائیل و سران فاشیست آن، نتانیاهو، گالانت، نفتالی بنت و... نوشته نمیشود، حامیان غربی صهیونیسم در «جهان آزاد»، از دولتها تا احزاب راست و چپ آن، که در حمایت از نسل کشی و جنایات دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین مسابقه گذاشته اند، و در راس آن دولت بایدن مسخولیت مستقیم دارند.

طنز تلخ این عملیات و عکس العمل فوری دولت آمریکا تقسیم کار جهانی است که در ذهن مفلوک سران «جهان آزاد» و در راس آن آمریکا شکل گرفته است. تقسیم کار «حق» دول غربی و متحدین آن، مانند اسرائیل و اوکراین، و «وظیفه» دولتهای دیگر در جهان تحت رهبری آمریکا است. جهانی که در آن قدرتهای غربی و در راس آن آمریکا دامنه حق و حقوق جهان و وظایف دیگران را تعیین میکنند. جهانی که بر اساس قانون ننوشته، آمریکا و متحدین آن حق دارند هر جنایت و آدمکشی و جنگ اقتصادی و نظامی را به راه بیندازند و بقیه جهان، از دولتها تا مردم آزادیخواه و متمدن، وظیفه اطاعت، منطبق کردن خود با سیاستهای «جهان آزاد» و بخصوص آمریکا را به عهده دارند و سرپیچی از آن جرم محسوب میشود است.

شش ماه است دولت اسرائیل از هیچ جنایتی نه تنها علیه مردم بیگناه فلسطین و کودکان و گرسنگانی که برای گرفتن لقمه نانی جمع میشوند، چیزی که بالای ۷ دهه است انجام میگردد، بلکه علیه امداد رسانان سازمان ملل، از کارکنان سازمانهای غیردولتی، مانند «آشپزخانه مرکزی جهانی»، از خبرنگاران، پزشکان بی مرز، کادر درمانی در بیمارستانها، کاروانهای کمک رسانی و سازمان کمک به آوارگان و... دریغ نکرده است. شش ماه است بشریت متمدن حتی یک لحظه از اعتراض به این جنایت و توحش دست نکشیده و شش ماه است دول غربی خصوصاً آمریکا، انگلستان، آلمان و فرانسه و... تمام این جنایات را زیر عنوان «حق» خدشه ناپذیر اسرائیل در «دفاع» از خود توجیه میکنند و حداکثر اظهار تاسفی میکنند و از قاتل و قصاب میخواستند با «دقت» و با «محاسبه دقیق» قصابی کنند. آیا کسی هست که بگوید پس حق دفاع از خود مردم فلسطین چه است؟ آیا مخالفین غرب در جهان مستقل از ماهیت آنها، آیا آنها هم حق دفاع از خود را دارند یا طبق نیلای دول غربی وظیفه آنها سکوت است و قبول اوامر این دول؟

دول غربی به رهبری آمریکا تا کنون و در ۵۰ سال گذشته دهها جنگ بزرگ و کوچک را به بهانه های مختلف و توجیهای بی شرمانه به جهان تحمیل کرده اند. با لشکر کشی ها، بمباران ها، به راه انداختن حمام خون ها، تحریمهای اقتصادی، صدها هزار نفر از مردم محروم و کودکان را سلاخی کرده و صدها هزار نفر را از گرسنگی به قتل رسانده اند. دهها میلیون آواره و خانه بدوش و کشورهای زیادی را ویران کرده اند.

این جهانی است که در آن جنایت حق آمریکا و متحدین آن است و کشته ها و ویرانی ها و گرسنگی ها و آوارگی ها سهم میلیونها انسان. عراق را ویران کردن و یک میلیون انسان را از روی نقشه با یک سناریوی دروغین مهندسی شده و تبلیغات دروغ برای کور کردن چشم مردم در غرب، کشتند و تا امروز هم رهبران و مهندسين این قتل عام از چهرهای «معتبر» و «شخصیتها مهم» در جهان غرب اند. آمریکا میتواند به هر نقطه از دنیا که مخالفش باشند لشکر بکشد البته اگر بتواند، میتواند ناکازاکی و هیروشیما دیگری بسازد، میتواند دارایی های آن مملکت را غارت کند، میتواند هر جا را خواست اشغال کند و مردمش را مانند دهها کشور آفریقایی قتل عام عمومی کنند و این حق اوست و سکوت هم وظیفه دیگران. از این موارد هزاران مورد را میتوان آورد که یوگسلاوی، افغانستان، عراق و سوریه، لیبی و... فلسطین تنها موارد متاخر آنند.

بشریت متمدن مدتها است علیه این تقسیم کار، علیه تحمیل سکوت به خود، زیر عنوان دفاع از «دمکراسی» یا مقابله با «تروریسم» و نیروها و قدرتهای ارتجاعی به صحنه آمده اند و آغاز پایان امپراطوری «جهان آزاد» را اعلام کرده اند. پایان این امپراطوری نه کار رقیبای جهان آزاد در میان قدرتهای ارتجاعی بین المللی و منطقه ای که اساساً کار طبقه کارگر، مردم محروم و بشریت متمدنی است که در تمام این دوران استخوانهایشان زیر پای طبقه حاکم و این نظام حتی در خود غرب خورد شده است.

ساختن آینده ای بهتر و پایان توحش کاپیتالیستی قطعاً احتیاج به تحولات بزرگی دارد که طبقه کارگر آگاه و کمونیسم نیروی اصلی و تعیین کننده آن است.



۵- علیرغم اینکه در طول یک دهه گذشته و پس از عروج جنبش کمونیسم کارگری در شکل خواست وسیع «اداره شورایی» و «خردجمعی» در تحركات کارگری، پس از ریختن توهم عقب افتاده ترین بخش های جامعه نسبت به امکان «اصلاح رژیم»، پس از عروج جنبش انقلابی و رادیکال حق زن، جمهوری اسلامی هرچند زیر ضرب جنبش چپ و انقلابی در بن بست و در بحران مشروعیت قرار گرفته اما هنوز به بقاء خود ادامه میدهد.

۶- برای ما کمونیست ها، نه جنگ، نه سرکوب، نه فقر و نه اوضاع بحرانی جهانی، نه منابع مالی و لابی قوی و بین المللی کمپ راست و ... نمی تواند توجیه کننده دلایل عدم پیروزی جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی در پس خیزش های پی در پی دیماه ۹۶ آبان ۹۸، خیزش کمونیستی طبقه کارگر ۹۷ و ۹۸ و جنبش انقلابی زن زندگی آزادی ۱۴۰۱، باشد.

شرایط نامطلوب و جنگ و بحران های جهانی و قحطی و فقر و .. برای ما همیشه و تاریحا تغییر شرایط فعالیت بوده است و نه تغییر دستور کار و یا به تاخیر انداختن فوریت هایمان و از جمله فوریت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و پیروزی طبقه کارگر!

۷- این شرایط، خلا مهمی را بجا میگذارد و موجب هدر رفتن فرصتهای تعیین کننده ای برای جنبش کمونیستی کارگری در ایران شده است. آن خلا مهمی که مانع سرنگونی فوری جمهوری اسلامی ایران شده است، فقدان نیروی سازمان یافته سراسری و اجتماعی است که بتواند ضربه نهایی و سرنواشت ساز را به جمهوری اسلامی بزند و آلترناتیو خود را ممکن و مستقر کند. هم راست و هم چپ، فاقد این رهبری و نیروی سازمان یافته اند.

۸- در جنبش چپ، حزب حکمتیست (خط رسمی)، بدلیل مواضع سیاسی رادیکال و کمونیستی خود و اعتبار اجتماعی در میان طیفی از فعالین و دست اندرکاران مبارزات کارگری و مردمی، در میان تمام احزاب و سازمانهای چپ، بیشترین شانسی را برای پرکردن این خلا دارد.

۹- از این رو، تغییر موقعیت حزب از یک سازمان تبلیغی و معتبر به یک حزب فراگیر وسیع و اجتماعی، یک حزب سازمانده و رهبر هم برای پیشروی حزب و هم مهمتر از همه برای دخالت فعال در سیرسرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آلترناتیو کارگری، حیاتی است.

از این رو، کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی) تصویب میکند که:

رهبری منتخب کنگره برای پرکردن این خلا سیاسی و سازمانی، که پاسخ به نیازهای جامعه ایران و جنبش کمونیسم کارگری است، فوراً اقدام کند.

برای تغییر موقعیت اجتماعی، سازمانی و جنبشی حزب، نه صرفاً بعنوان یک امر حزبی بلکه بعنوان یک نیاز تاریخی، اجتماعی، برای جلوگیری از هدر رفتن فرصت های بیشتر، و برای ایفای نقشی که برای آن ساخته شده است، یعنی دخالت در رهبری سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب کارگری، اقدامات معینی را در دستور کار بگذارد.

ارابه دهنده: ثریا شهابی

حامی: آسو فتوحی، آذر مدرسی، آسو سهامی

۲۷ مارس ۲۰۲۴

## کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و  
تشکل حزبی شماست.

حزب را از آن خود کنید!

## قرار در مورد: ضرورت به روز کردن بخش مطالبات برنامه «یک دنیای بهتر»

بیش از سی سال از تدوین برنامه «یک دنیای بهتر» میگذرد!

بنیادهای برنامه «یک دنیای بهتر» نه تنها در زمان خود که هنوز پیشروترین سند برنامه ای یک حزب کمونیستی مدرن عصر ما است و سندی در ردیف مانیفست کمونیست.

با این وجود، بخش مطالبات برنامه یک دنیای بهتر، بخش حقوق و آزادیهای این سند، که:

یکم: پرچم حزب در جنبش های مطالباتی کارگران و در مبارزه برای تحمیل اصلاحات به نظام موجود است،

دوم: مبنای تدوین قوانین و مقررات حکومت آتی بعنوان ابتدایی ترین حقوق مردم است،

همچون همه اسناد مشابه، نیازمند «به روز شدن» متناسب با زمان خود است.

از این رو، کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی)، رهبری پس از کنگره را موظف میکند که در این راستا، کمیونی برای بررسی مجدد این بخش از برنامه یک دنیای بهتر تشکیل دهد تا با توجه به دستاوردهای مترقی روز، پیشنهادات مشخصی را برای بررسی و تصویب به کنگره بعدی، در دستور بگذارد

ارابه دهنده: ثریا شهابی

حامی: آذر مدرسی، خالد حاج محمدی، امان کفا، فواد عبداللهی

۳ آوریل ۲۰۲۴

## قرار در مورد لزوم تغییر موقعیت حزب

نظر به اینکه:

۱- جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بیش از دو دهه است که آغاز شده است، و جامعه ایران از پس از عبور از دوحرداد و جنبش اصلاحات، بطور تسلسل وار شاهد عروج خیزش های متعدد کارگری، زنان و مردمی بوده است که هر بار کلیت جمهوری اسلامی را با هدف سرنگونی در بعد سراسری مورد تعرض قرار داده است.

۲- در تمام افت و خیزهای جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی دو اپوزیسیون سرنگونی طلب، دو نیروی آلترناتیو، بورژوازی و پرولتری، راست و چپ، چه در سطح جنبشی و چه در سطح سازمانی، هر یک به اتکا به نیروها و حامیان جنبشی خود، دخالت فعال داشته و دارند!

۳- در هر مقطع یکی از این آلترناتیو ها، راست و چپ، در بعد اجتماعی و سراسری، عملاً به درجه ای افق سرنگونی خود را به جامعه تعمیم داده است.

۴- با این وجود هیچیک از این دو نیروی راست و چپ، قادر به سرنگونی جمهوری اسلامی و به پیروزی رساندن جنبش و طبقه خود و تحقق آلترناتیوهای خود نشده اند.

## به: اعضا و فعالین حزب، به همه کمونیست ها

رفقای عزیز!  
با گرمترین درودها

در جریان هستید که کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی) به زودی و در نیمه دوم آوریل برگزار میشود. بی تردید کنگره حزب در شرایط بسیار حساسی چه از نظر اوضاع بین المللی و چه اوضاع منطقه و ایران برگزار میشود. در این شکی نیست که تلاش همه ما این است که کنگره حزب در دل این اوضاع پرتنش، پیچیده و حساس و در شرایطی که طبقه کارگر، بخش محروم جامعه، زنان و نسل جوان آزادیخواه در ایران روزانه برای رفاه و زندگی انسانی، برای آزادی و برابری با جمهوری اسلامی در جدال اند، بتواند مهمترین تصمیمات برای فعالیت دوره آتی را بگیرد و متحد پای اجرای آن برویم. چه نمایندگان کنگره و چه بقیه اعضا و کادرهای حزب چه در تشکیلات علنی حزب و چه در ایران همراه با طیف گسترده ای از کمونیستهای آن جامعه در جنبش کارگری، در جنبش حق زن، در میان دانشجویان و نسل جوان و در صف معلم و پرستار و... میکوشیم در این دوره به عنوان فعالین جنبش کارگری و کمونیستی، راه پیشروی جنبش خود را هموار کنیم، صف طبقه کارگر را متحد کنیم و وسیعترین نیرو را حول پرچم آزادی و برابری و حکومت کارگری جمع کنیم و شرایط پیروزی جنبش خود را مهیا کنیم.

کنگره حزب علنی نیست و متأسفانه حضور بخش بزرگی از فعالین جدی حزب در ایران بدلیل امنیتی ممکن نیست. اما و همچنانکه خود این رفقا هم در جریان هستند، تلاش کرده ایم این محدودیت مانع دخالت آنها در سرنوشت کنگره، در مباحثات و سیاستهایی که در دستور آن قرار میگیرد، نشود. همینجا از همه شما اکیدا درخواست میکنیم هر نکته و قرار و قطعنامه و هر ملاحظه و نقد و پیشنهادی دارید، به ما برسانید و قطعاً نمایندگان کنگره در جریان قرار خواهند گرفت.

کنگره حزب حکمتیست (خط رسمی) تنها متعلق به اعضا و کادرها و دوستداران حزب نیست. این حزب و کنگره اش متعلق است به همه فعالین و رهبران سوسیالیست در جنبش کارگری، در جنبش حق زن، به همه کمونیستها جامعه ایران مستقل از اینکه در کدام عرصه و میدان مبارزه طبقاتی مشغول فعالیت اند. ما همه این رفقا را به دخالت در مباحثات کنگره دعوت میکنیم و از پیام، پیشنهاد و قرار و سیاست مورد نظر آنها استقبال میکنیم و صدایشان را به کنگره میرسانیم.

لازم است همینجا به اطلاع اعضا حزب در خارج کشور برسانیم که در صورت تمایل میتوانند در کنگره شرکت کنند. تنها شرط این رفقا ثبت نام فوری و پرداخت هزینه کنگره است. این رفقا میتوانند با مراجعه به مسئولین تشکیلاتی خود در محل ترتیب شرکت خود در کنگره را بدهند و جواب سوالات احتمالی خود را بگیرند.

آخرین فرصت برای ارسال قرار، قطعنامه، پیام و هر پیشنهادی به کنگره یازدهم حزب، ۱۴ آوریل ۲۰۲۴ است. لطفاً تمام اسناد پیشنهادی و... به کنگره را فقط برای آدرس ایمیل من [khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com) ارسال کنید. فقط ایمیل هایی که به این آدرس فرستاده شوند معتبراند.

دست همگی شما را به گرمی میفشارم

از طرف کمیته رهبری

خالد حاج محمدی

۳۰ مارس ۲۰۲۴

## اعلام شنیع ترین شکل قتل عمد است!

زنان سوسیالیست...

همه و همه زنان را به شیوه ی آزار دهنده ای محاصره کرده است. جمهوری اسلامی از مذهب و شریعت و سنت و فرهنگ مردسالار در جهت منافع خود بهره می برد تا زن را درجه دوم و به کار ارزان و رایگان در کار خانگی محکوم و در صفوف طبقه کارگر بر مبنای زن و مرد تفرقه ایجاد کند.

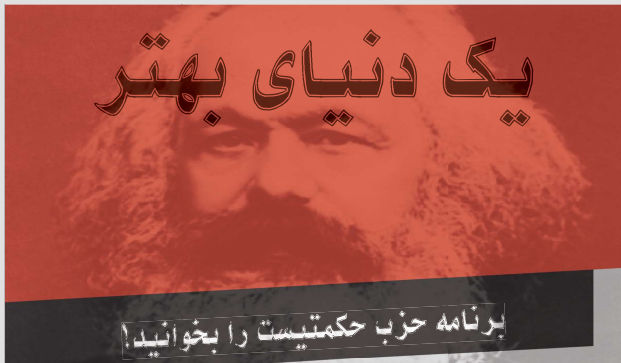
در چنین شرایطی زنان سوسیالیست، پرچمدار رهایی زن از تبعیض جنسیتی و مصائب گریبانگیر این نصف انسان های جامعه هستند. لغو حجاب اجباری اولین گام در جهت این رهایی است.

بعلاوه جنبش رهایی زن تنها نیست. این جنبش جزئی از جنبش طبقاتی کارگران علیه کل مصائب نظام تبعیض و ستم و استثمار سرمایه و دین در ایران است. تحولات تاریخ بشر نشان داده است که جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر اولین جنبشی است که در راه تغییر سرنوشت زنان و مبارزه برای برابری واقعی زن و مرد گام برداشته و در بخش های بزرگی از جهان پیروزیهای بزرگی کسب کرده است. زنان سوسیالیست در طول تاریخ در مبارزه برای حق رای، کم شدن ساعت کار روزانه و دستمزد برابر با مردان و علیه هر گونه تبعیض جنسیتی از جمله کار بی اجر و مزد خانگی، پیشتاز بوده اند. این شرایط، تلاش زن برای آزادی و برابری را به بخشی از مبارزه طبقاتی اکثریت زحمتکش و بینوایان، علیه اقلیت مفتخور سرمایه داران تبدیل کرده است.

جنبش سوسیالیستی کارگری، زنان را از انزوای خانگی رها و به استقلال رسانده است. این جنبش برابری طلب، ایده های عقب مانده ی نگاه جنسیتی و خشونت خانوادگی را کنار زده و جنبش برابری زن و مرد را به مبارزه طبقاتی گره زده است. زنان و مردان سوسیالیست، رهایی کامل زنان را فقط در یک سیستم سوسیالیستی متحقق می دانند که در آن زنان کل پروسه تولید مثل (نگهداری از کودکان، سالمندان، کارهای خانگی و...) را مانند سیستم سرمایه داری، رایگان انجام نخواهند داد. کارگر زن جزء لاینجزای طبقه کارگر بعنوان یک طبقه است و مبارزه برای رهایی و برای جامعه ی بی طبقه و آزاد و برابر و بدون هر گونه ستم و رهایی کامل زنان، مبارزه ای طبقاتی و سراسری است.

با وجود پیشرفت های عظیم طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی اش در زمینه برابری زن و مرد اما نگاه جنسیتی به زن چه در بازار کار و چه در جامعه و خانواده در همه ی نظام های سرمایه داری از بین نرفته است. به همین دلیل است که هنوز در جوامع مدرن و پیشرفته هم چیزی به نام «حق زن» هنوز موضوعیت دارد. و این شرم آور است. وقتی زن و مرد برابر اند دیگر مساله ای به نام «حق» بر مبنای جنسیت و نژاد و قوم و...، بطور کامل منتفی است. نگاه حکام جمهوری اسلامی و مبلغین مرتجع اش، نگاهی جنسیتی و مردسالارانه است. خامنه ای پازا فراتر نهاده و نه تنها زنان که در سنت و فرهنگ ارتجاعی دینی اش جنس دوم است، بلکه کل جامعه را برای تشخیص منفعت خود صاحب صلاحیت نمی داند. در طول تاریخ این نگاه پوسیده از جانب بورژوازی ضد زن وجود داشته است. زمانی رهبران احزاب دست راستی اروپایی با بیشرمی رو به کنگره بین المللی زنان گفتند: «شما باید از خودتان بپرسید، که در حال حاضر چه شرایط اجتماعی و سیاسی ای وجود دارد و مبارزه برای حق زنان به بلوغ نرسیده است.» آن ها پا را فراتر گذاشته و گفتند: «زنان نیازی به تشکل ندارند، ما آن ها را در خانه متشکل می کنیم!» در مقابل این سیاست و نظریه ارتجاعی و ضد زن، کنگره های بین المللی زنان از اوایل قرن بیستم یکی پس از دیگری برگزار گردید که زنان کمونیست مثل کلارا زتکین، رزا لوکزامبورگ، نقش رهبری آن را برعهده داشتند. پس از گذشت بیش از یکصد سال، هنوز یک دیکتاتور بورژوا به نام خامنه ای از قعر تاریخ برخاسته و تکرار می کند که نه تنها زنان بلکه کل جامعه، قیم و ولایت فقیه می خواهد! این نگاه ارتجاعی و پوسیده اما، از کارخانه ها تا خیزش زنان ودختران جوان از دبستان تا دبیرستان ها و دانشگاه ها و محلات و خیابان ها، به سخره گرفته شده و فریاد آزادی و برابری و رهایی انسان، کل نظام تبعیض و ستم و استثمار و نابرابری را به لرزه در آورده است. جمهوری اسلامی کل نیروی نظامی و امنیتی و تبلیغاتی را بسیج کرده است تا جنبش آزادی زن را به عقب براند. اکنون ده ها فعال و مبارز این جنبش در زندان ها اسیرند. آزادی این زندانیان و همه ی اسرای در بند از اولویت های فوری جنبش های طبقاتی و اجتماعی اند.

در چنین شرایطی، زنان سوسیالیست آگاهند که جنبش آزادی زن در ایران که جنبشی سراسری میلیونی است به تشکل و اتحاد توده ای بیشتر نیاز دارد و آگاهند به این که وظیفه ی سنگین متحد و متشکل و توده ای شدن و متکی کردن به برنامه و رهبری را بر دوش دارند. جنبشی که به طبقه کارگر آگاه و متحد و سراسری تکیه دارد. چرا که رهایی کامل زنان و رهایی کل جامعه در گرو رهایی طبقه کارگر است. طبقه ای که رهبری جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلبانه بر عهده او است. طبقه ای که آلتزناتیو جامعه ی سوسیالیستی آزاد و برابر بر ویرانه های نظام سرمایه و دین جمهوری اسلامی را در برنامه و افق خود دارد!



سنا

## پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

[radioneena.com](http://radioneena.com)

ساوند کلود

[soundcloud.com/radio-neena](https://soundcloud.com/radio-neena)

اینستاگرام

[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)

تلگرام

<https://t.me/RadioNeenna>

فیسبوک

[facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)

### تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

[aso.fotuhi@gmail.com](mailto:aso.fotuhi@gmail.com)

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

[sahand.sabet@gmail.com](mailto:sahand.sabet@gmail.com)

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

### حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی